DOI: 10.22034/isj.2026.537696.2366

International Studies Journal (ISJ)
Vol. 22, No. 4 (88), Spring 2026
Reseived Date: 2025/12/3
Accept Date: 2026/3/19
Article Type: Original Research
PP: 101-127

فصلنامه مطالعات بین‌المللی
سال ۲۲، شماره ۴ (۸۸)، بهار ۱۴۰۵
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۱۲/۲۸
نوع مقاله: علمی- پژوهشی
صفحات: ۱۲۷-۱۰۱

تأثیر پیمان ابراهیم بر همگرایی اقتصادی منطقه‌ای در خاورمیانه: مطالعه موردی امارات متحده عربی

دکتر وحید افراسیابان* - محمد بیرانوند**

This is an open access article under the CC BY license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

چکیده

پیمان ابراهیم (۲۰۲۰) عادی‌سازی روابط میان اسرائیل و چند کشور عربی، از جمله امارات متحده عربی را در دستور کار قرار داد و پرسش‌هایی درباره‌ی پیامدهای اقتصادی آن برای همگرایی منطقه‌ای برانگیخت. این پژوهش می‌کوشد دریابد پیمان ابراهیم تا چه اندازه بر روند صادرات امارات به کشورهای خاورمیانه، به‌عنوان شاخصی از همگرایی اقتصادی منطقه‌ای، اثرگذار بوده است. بدین منظور، با رویکرد مطالعه موردی، در چارچوب نهادگرایی نئولیبرال و با روش تحلیل روند، داده‌های صادرات امارات به یازده کشور منطقه در بازه ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ (بر پایه داده‌های بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی) بررسی شد و زمان‌بندی آغاز روند صعودی صادرات با تاریخ پیمان سنجیده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد مجموع صادرات امارات به این کشورها از ۶۷٫۶ میلیارد دلار در ۲۰۱۷ به ۱۰۶٫۶ میلیارد دلار در ۲۰۲۲ رسیده است، اما روند صعودی صادرات به بیشتر کشورها پیش از امضای پیمان آغاز شده بود، بنابراین پیمان را نمی‌توان عامل اصلی این رشد دانست و نقش آن بیشتر تسهیل‌گر ارزیابی می‌شود. تنها در مورد اسرائیل، رشد صادرات هم‌زمان با پیمان و پس از آن مشاهده می‌شود. همچنین صادرات امارات به ایران پس از کاهش تا ۲۰۲۰، در سال‌های بعد اندکی افزایش یافت. این پژوهش فقط نشان می‌دهد افزایش صادرات پیش از پیمان یا پس از آن آغاز شده و برای اثبات اینکه پیمان علت آن بوده کافی نیست. نتایج بر لزوم بررسی هم‌زمان عوامل ساختاری و سیاسی در تحلیل همگرایی منطقه‌ای دلالت دارد.

کلیدواژگان

پیمان ابراهیم، همگرایی اقتصادی منطقه‌ای، صادرات، امارات متحده عربی، تحلیل روند

* دانش‌آموخته دکتری رشته مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبایی./ نویسنده مسئول/ ایمیل: vahid_afrasiaban@atu.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی.

Article Link: https://www.isjq.ir/article_244383.html
Online ISSN: 2676-5136 Print ISSN: 2045-1735

مقدمه

همگرایی منطقه‌ای فرایندی است که طی آن دولت‌های یک منطقه، با افزایش وابستگی متقابل و شکل‌گیری نهادها و قواعد مشترک، پیوندهای خود را در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی گسترش می‌دهند. در بعد اقتصادی، این فرایند معمولاً با شاخص‌هایی مانند حجم تجارت درون‌منطقه‌ای، جریان سرمایه‌گذاری و میزان نهادمندی توافق‌های تجاری سنجیده می‌شود. خاورمیانه به دلیل رقابت‌های ژئوپلیتیکی، منازعات مرزی و شکاف‌های سیاسی، از کم‌همگراترین مناطق جهان به شمار می‌آید و سهم تجارت درون‌منطقه‌ای آن از میانگین مناطق دیگر پایین‌تر است.

در این زمینه، پیمان ابراهیم یکی از مهم‌ترین تحولات منطقه‌ای دهه اخیر است. در سپتامبر ۲۰۲۰، امارات متحده عربی و بحرین با میانجی‌گری ایالات متحده روابط خود را با اسرائیل عادی‌سازی کردند و سودان و مراکش نیز طی ماه‌های بعد توافق مشابهی را اعلام کردند. این توافق‌ها نخستین موج عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل پس از معاهده‌های مصر (۱۹۷۹) و اردن (۱۹۹۴) بود و انتظار می‌رفت افزون بر پیامدهای سیاسی‌امنیتی، بازارها و مسیرهای تجاری تازه‌ای بگشاید. نکته تحلیلی این است که عادی‌سازی دوجانبه سیاسی با همگرایی منطقه‌ای چندجانبه یکسان نیست. پیمان ابراهیم کشوری را در بر می‌گیرد که عضو هیچ نهاد منطقه‌ای عربی نیست و بر پایه توافق‌های دوجانبه عمل می‌کند. بنابراین پرسش اصلی این است که تا چه اندازه عادی‌سازی سیاسی به تغییر ملموس در الگوهای تجاری و در نتیجه به همگرایی اقتصادی بیشتر در منطقه انجامیده است؟ به عبارت دیگر تا چه اندازه پیمان ابراهیم بر روند صادرات امارات به کشورهای خاورمیانه اثرگذار بوده است؟

مسئله پژوهش از همین‌جا شکل می‌گیرد. امارات، به‌عنوان یکی از امضاکنندگان اولیه و مرکز اصلی تجارت و بازصادرات منطقه، در همان سال‌ها از چند تحول هم‌زمان نظیر همه‌گیری کووید-۱۹، نوسان قیمت انرژی، پایان بحران دیپلماتیک با قطر (۲۰۲۱) و گسترش توافق‌های تجاری با شرکای دیگر متأثر بوده است. در چنین شرایطی مسئله آن است که زمان‌بندی تغییر روند صادرات امارات تا چه اندازه با تاریخ پیمان هم‌خوان است و آیا می‌توان پیمان را محرک اصلی همگرایی تجاری دانست.

پژوهش‌های فارسی مرتبط عمدتاً کیفی هستند و بر امکان‌سنجی همگرایی در خلیج فارس، الگوی همگرایی در جنوب‌غرب آسیا ، پیامدهای زیست‌محیطی پیمان و مؤلفه‌های ژئواکونومیک منازعات تمرکز کرده‌اند که در بخش پیشینه معرفی خواهند شد. در آثار بررسی‌شده توسط نویسندگان، تحلیلی کمّی که تغییر روند صادرات یک کشور مشخص را به تفکیک شرکای منطقه‌ای و با توجه به زمان‌بندی پیمان بسنجد دیده نشد. افزون بر این، بخش عمده‌ی ادبیات بر آثار سیاسی‌امنیتی پیمان متمرکز است و پرسش از «اثر اقتصادی واقعی» کمتر از منظر تجربی بررسی شده است. این پژوهش می‌کوشد این خلأ را با رویکردی تجربی و محدود به یک مورد پر کند.

هدف اصلی این مقاله ارزیابی تجربی رابطه زمانی میان پیمان ابراهیم و روند صادرات امارات به کشورهای منطقه است. اهداف فرعی نیز (الف) شناسایی روند صادرات امارات به هر یک از یازده کشور منطقه در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ و (ب) مقایسه کشورهایی که با پیمان ارتباط مستقیم دارند (اسرائیل و بحرین) با کشورهای بیرون از آن هستند.

مقاله از منظر نهادگرایی نئولیبرال و منطق «صلح تجاری» بهره می‌گیرد، که بر اساس آن توافق‌های نهادی هزینه مبادله را کاهش می‌دهد و همکاری و تجارت را تشویق می‌کند. این مقاله «نئولیبرالیسم» را در همین معنای نهادی‌تجاری و نه به معنای اقتصادی بازار آزاد به کار می‌برد. بر این اساس دو فرضیه رقیب مطرح می‌شود. فرضیه الف- اگر پیمان محرک اصلی افزایش صادرات امارات بوده باشد، آغاز روند صعودی صادرات به کشورهای منطقه، به‌ویژه اسرائیل، باید پس از ۲۰۲۰ رخ داده باشد. فرضیه ب- اگر روند صعودی پیش از ۲۰۲۰ آغاز شده باشد، پیمان حداکثر نقشی تسهیل‌گر داشته و عامل اصلی رشد نبوده است.

پژوهش از رویکرد مطالعه موردی (امارات) و تحلیل روند بهره می‌برد. داده‌های صادرات سالانه امارات به یازده کشور (کویت، عربستان، قطر، ایران، عمان، اردن، مصر، عراق، بحرین، ترکیه و اسرائیل) برای ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ از (بانک جهانی[1] سازمان تجارت جهانی[2]) گردآوری شده است. امارات به این دلیل برگزیده شد که نخستین و مهم‌ترین شریک تجاری اسرائیل در میان امضاکنندگان است و به‌عنوان مرکز بازصادرات، اثر تغییرات سیاسی بر تجارت در آن زودتر دیده می‌شود.

شاخص همگرایی در این مقاله به صادرات دوجانبه امارات محدود شده است و ابعاد دیگر همگرایی (سرمایه‌گذاری، نهادسازی، تجارت درون‌صنعتی) از دامنه بررسی بیرون است.

این پژوهش فقط نشان می‌دهد که افزایش صادرات امارات پیش از پیمان ابراهیم یا پس از آن آغاز شده است. اما نمی‌تواند ثابت کند که پیمان ابراهیم علت این افزایش بوده است. زیرا در طرح پژوهش گروه کنترل وجود ندارد و اثر عواملی مانند همه‌گیری کووید-۱۹، نوسان قیمت انرژی و بحران قطر جداگانه سنجیده نشده است. بنابراین یافته‌ها را باید توصیف زمان‌بندی تحولات و نه اثبات رابطه علت و معلولی دانست.

۱-پیشینه تحقیق

همت ایمانی در مقاله‌ای با عنوان «امکان‌سنجی همگرایی اقتصادی در منطقه‌ی خلیج‌فارس در آینده پیش‌رو و الزامات تحقق آن (ارائه مدل همگرایی شبکه‌ای به‌جای مدل سلسله‌مراتبی)» که در فصلنامه سازمان‌های بین المللی انتشار یافته است (ایمانی، ۱۴۰۰: ۲۵-۱)؛(Imani, 2021: 1-25)، به موضوع همگرایی اقتصادی منطقه‌ای در خلیج‌فارس پرداخته و از نظریه شبکه‌ای و روش تحلیل کیفی استفاده می‌کند. این مقاله در مقیاس منطقه‌ای و در منطقه خلیج‌فارس انجام شده و به دوره زمانی پس از پیمان ابراهیم مربوط می‌شود. این پژوهش، این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه کشورهای حوزه خلیج‌فارس می‌توانند به همگرایی اقتصادی در منطقه دست یابند؟ و نهایتا چنین نتیجه می‌گیرد که کشورهای منطقه خلیج‌فارس، باید الزامات رفتاری رسیدن به همگرایی اقتصادی را در تصمیم‌گیری‌های کلان ملّی و رویکرد سیاست خارجی خود در نظر بگیرند.

سامره یعقوبی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «تبیین الگوی همگرایی منطقه‌ای، مطالعه موردی:

---

[1]. World Bank

[2]. Word Trade Organization (WTO)

جنوب غرب آسیا» که در فصلنامه جغرافیایی سرزمین منتشر گردیده به موضوع الگوی همگرایی منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا قرار پرداخته و از روش تحلیل داده‌های آماری استفاده می‌کند (یعقوبی و همکاران، : ۱۳۹۸: ۹۵-۷۴)؛(Yaqoubi et al., 2019: 74-95). این پژوهش در مقیاس منطقه‌ای و در منطقه جنوب غرب آسیا انجام شده و به دوره زمانی قبل و بعد از پیمان ابراهیم مربوط می‌شود. نویسندگان در بررسی خود الگوی همگرایی منطقه‌ای را در جنوب غرب آسیا تبیین می‌کنند و معتقدند این منطقه با چالش‌های متنوعی در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و ایدئولوژیک مواجه است و هنوز ساختار منطقه‌ای جامعی ندارد که بتواند در حل و فصل مسائل و مشکلات منطقه نقش موثری داشته باشد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، عواملی مانند مقابله با خطرات طبیعی مثل ریزگردها و آلودگی‌های زیست‌محیطی، ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای مثل کنفرانس اسلامی، اکو و...، افزایش دسترسی کشورهای منطقه به آب‌های بین‌المللی، همکاری مشترک ایران، عراق و ترکیه برای مبارزه با جنبش‌های تجزیه‌طلب کردستان، حذف موانع و کاهش تعرفه‌های گمرکی، از جمله بنیان‌های اصلی همگرایی در جنوب غرب آسیا محسوب می‌شوند.

سعید عطار و مهرداد ابراهیمیان نجف‌آبادی، در مقاله‌ای با عنوان «محیط زیست خاورمیانه و پیمان ابراهیم: بررسی نقش عادی‌سازی روابط امارات متحده عربی و بحرین با رژیم اسرائیل در کاهش بحران‌های آب و کشاورزی این کشورها»(عطار و ابراهیمیان نجف‌آبادی، ۱۴۰۱: ۲۹۳-۲۷۳)؛(Attar & Ebrahimian Najafabadi, 2022: 273-293)، که در فصلنامه مطالعات بین الملل انتشار یافته به موضوع محیط زیست خاورمیانه و پیمان ابراهیم پرداخته و از روش تحلیل کیفی استفاده می‌کند. این پژوهش نیز در مقیاس منطقه‌ای و در منطقه خاورمیانه انجام شده و به دوره زمانی پس از پیمان ابراهیم مربوط شده و به بررسی نقش عادی‌سازی روابط امارات متحده عربی و بحرین با رژیم اسرائیل پرداخته است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که این پیمان فرصتی برای رژیم اسرائیل جهت جذب سرمایه‌های بیشتر در حوزه‌های زیست محیطی چون آب و کشاورزی بوده و برای کشورهای امارات و بحرین نیز فرصتی برای کاهش دامنه بحران‌های آب و امنیت غذایی و تحقق توسعه پایدار است.

امین سهرابی و همکاران، در مقاله ای با عنوان «تحلیل منازعات منطقه خاورمیانه از منظر مؤلفه‌های ژئواکونومیک در راستای تنش‌زدایی و همگرایی منطقه‌ای» که در فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای) انتشار یافته (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۲۹-۵۰۱)؛(Sohrabi et al., 2019: 501-529)، به موضوع منازعات منطقه خاورمیانه از منظر مؤلفه‌های ژئواکونومیک پرداخته و از روش تحلیل کیفی استفاده می‌کند. این پژوهش به دوره زمانی قبل و بعد از پیمان ابراهیم مربوط می‌شود و این پرسش را مطرح می‌کنند که مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی و جغرافیایی موثر در ایجاد و تداوم تنش‌ها و منازعات منطقه خاورمیانه کدامند. نویسندگان چنین نتیجه می‌گیرند که اقتصاد، جغرافیا و سیاست در منطقه خاورمیانه همواره محل نزاع و کشمکش قدرت‌ها و گروه‌های منطقه‌ای و فرامطقه‌ای بوده و این وضعیت همگرایی را از منطقه دور نموده و تنش و منازعه را برای آن به ارمغان آورده است.

مقاله دیگری که به طور غیر مستقیم به این پژوهش مربوط است، اثر بهادری و همکاران با عنوان «فرصت‌ها و چالش‌های ژئواکونومی طرح کمربند-راه در تعامل روابط چین با عربستان و امارات» است

که اطلاعات اقتصادی فراوانی در مورد امارات ارائه می‌دهد. این اثر نشان می‌دهد، اماات متحده عربی، به تلاش برای تنوع‌بخشی اقتصادی و کاهش وابستگی به نفت، توجه ویژه‌ای دارد. (بهادری و همکاران، ۱۴۰۴: ۹۳-۷۵)؛(Bahadori et al., 2026: 75-93).

وجه تمایز این مقاله حاضر در سه جنبه است. نخست، برخلاف پژوهش‌های فارسی مرورشده که عمدتاً کیفی و کلان‌نگرند، این مقاله با داده‌های کمّی صادرات امارات به یازده کشور منطقه در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ به ارزیابی تجربی می‌پردازد. دوم، به‌جای تمرکز بر تجارت دوجانبه امارات و اسرائیل یا مقایسه امضاکنندگان پیمان، الگوی صادرات امارات به مجموعه شرکای منطقه‌ای، از جمله غیرامضاکنندگان، را با زمان‌بندی پیمان مقایسه می‌کند. سوم، با تفکیک عادی‌سازی دوجانبه از همگرایی چندجانبه، زمان‌بندی تغییر روند صادرات را معیار سنجش نقش پیمان قرار می‌دهد.

۲- چارچوب نظری

این مقاله بر نهادگرایی نئولیبرال و نه صرفا نئولیبرالیسم به‌عنوان ایدئولوژی مبتنی بر بازار آزاد تکیه دارد. این رویکرد، دولت‌ها را بازیگرانی عقلانی و منفعت‌محور می‌داند که حتی در نظام بین‌المللی فاقد قدرت مرکزی نیز می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند. از نظر کیوهن، همکاری زمانی شکل می‌گیرد که بازیگران با هماهنگ‌کردن سیاست‌های خود، رفتارشان را با ترجیحات واقعی یا مورد انتظار دیگران سازگار سازند (Keohane, 1984: 51). تفاوت اصلی این دیدگاه با واقع‌گرایی به نوع نگاه آن‌ها به منافع حاصل از همکاری بازمی‌گردد. واقع‌گرایان بر سود نسبی و جایگاه هر دولت در مقایسه با دیگران تأکید دارند، درحالی‌که نهادگرایان نئولیبرال، دستیابی به سود مطلق و منافع مشترک حاصل از همکاری را در اولویت قرار می‌دهند (Grieco, 1988: 485–507).

کیوهن و نای مفهوم «وابستگی متقابل پیچیده» را بر پایه سه ویژگی ۱-وجود راه‌های ارتباطی متعدد میان جوامع، ۲-نبود سلسله‌مراتب مشخص میان موضوعات سیاستی و ۳-کاهش نقش نیروی نظامی در روابط میان دولت‌ها توضیح می‌دهند (Keohane & Nye, 1977: 24–25).

در چنین شرایطی، توافق‌ها و نهادهای بین‌المللی با کاهش هزینه‌های مبادله و عدم‌قطعیت و همچنین فراهم‌کردن اطلاعات، زمینه همکاری میان دولت‌ها را تقویت می‌کنند. به این ترتیب، نهادهای بین‌المللی با تسهیل هماهنگی سیاست‌ها، امکان شکل‌گیری و تداوم همکاری را در نظام بین‌الملل فراهم می‌سازند (Keohane, 1984: 85–109).

بالاسا همگرایی اقتصادی را هم به‌عنوان فرایندی برای از میان برداشتن تبعیض میان واحدهای اقتصادی کشورهای مختلف و هم به‌عنوان وضعیتی تعریف می‌کند که در آن چنین تبعیض‌هایی وجود ندارد (Balassa, 1961: 1-3). از نظر او، همگرایی اقتصادی فرایندی تدریجی و مرحله‌ای است که از ایجاد منطقه آزاد تجاری آغاز می‌شود و در نهایت به همگرایی کامل اقتصادی می‌رسد. بر این اساس، صادرات دوجانبه امارات صرفاً نشان‌دهنده میزان ارتباط تجاری و دسترسی متقابل کشورها به بازارهای یکدیگر است و به‌تنهایی نمی‌تواند میزان همگرایی نهادی میان آن‌ها را مشخص کند. بنابراین، در این مقاله از صادرات دوجانبه به‌عنوان شاخصی غیرمستقیم برای سنجش همگرایی اقتصادی استفاده شده است.

اونیل و راست در پژوهش خود نشان داده‌اند که افزایش وابستگی متقابل اقتصادی با کاهش احتمال وقوع منازعه میان کشورها ارتباط دارد (Oneal & Russett, 1997: 267–294). با این‌حال، رابطه میان تجارت و منازعه یک‌طرفه نیست و هر یک می‌تواند بر دیگری تأثیر بگذارد. هگره و همکاران نیز با استفاده از روش برآورد هم‌زمان، این رابطه متقابل را بررسی کرده و نشان داده‌اند که تجارت و منازعه بر یکدیگر اثر می‌گذارند (Hegre et al., 2010: 763–774).

در همین زمینه، فلدمن و لوتمار استدلال می‌کنند که گسترش و تنوع‌بخشی روابط اقتصادی امارات با اقتصاد جهانی، منافع همکاری این کشور با اسرائیل را افزایش داده و به تقویت روند عادی‌سازی روابط کمک کرده است (Feldman & Lutmar, 2025).

از این منظر، رابطه میان تجارت و عادی‌سازی روابط را باید فرایندی با تأثیرگذاری دوسویه دانست؛ به این معنا که از یک سو، عادی‌سازی روابط سیاسی با کاهش موانع همکاری می‌تواند زمینه گسترش مبادلات تجاری را فراهم کند و از سوی دیگر، توسعه روابط تجاری پیش از عادی‌سازی نیز ممکن است با افزایش منافع اقتصادی مشترک، پذیرش توافق سیاسی را آسان‌تر کرده باشد.

پیمان ابراهیم را نمی‌توان رژیمی منطقه‌ای با قواعد مشترک برای همه کشورهای خاورمیانه دانست. این پیمان بر مجموعه‌ای از توافق‌های دوجانبه با اسرائیل استوار است. بنابراین، انتظار نمی‌رود تأثیر آن بر کاهش هزینه‌های سیاسی و تجاری امارات در روابط با کشورهای مختلف به یک اندازه باشد. میزان اثرگذاری پیمان به نوع رابطه هر کشور با آن بستگی دارد.

با برقراری روابط رسمی میان امارات و اسرائیل، بخشی از موانع سیاسی و حقوقی تجارت مستقیم میان این دو کشور برطرف شده است. ازاین‌رو، بیشترین تأثیر مورد انتظار پیمان نیز به گسترش روابط تجاری دوجانبه امارات و اسرائیل مربوط می‌شود. بحرین نیز یکی از امضاکنندگان پیمان است، اما انتظار می‌رود تأثیر آن بر روابط تجاری امارات و بحرین، در مقایسه با روابط مستقیم امارات و اسرائیل، محدودتر و غیرمستقیم‌تر باشد.

در مقابل، پیمان ابراهیم به‌خودی‌خود تغییری در موانع سیاسی و تجاری روابط امارات با کشورهایی که عضو آن نیستند، ایجاد نمی‌کند. بنابراین، افزایش یا کاهش صادرات امارات به این کشورها را نمی‌توان مستقیماً به پیمان نسبت داد. برای توضیح این تغییرات باید عوامل دیگری، از جمله تحولات منطقه‌ای و پیامدهای اقتصادی غیرمستقیم توافق را نیز در نظر گرفت. چارچوب نظری پژوهش می‌تواند جهت احتمالی تأثیر پیمان را پیش‌بینی کند، اما اندازه و زمان دقیق بروز این تأثیر را مشخص نمی‌سازد. افزون بر این، بازصادرات امارات نیز سنجش دقیق این رابطه را دشوار می‌کند زیرا در داده‌های مورد استفاده، صادرات کالاهای تولید داخل از کالاهای بازصادرشده به‌صورت جداگانه ثبت نشده است. ازاین‌رو، شاخص صادرات دوجانبه باید با در نظر گرفتن این محدودیت آماری تفسیر شود.

منطق نظری پژوهش بر این فرض استوار است که پیمان ابراهیم با کاهش هزینه‌های سیاسی و تجاری، دسترسی به بازار کشورهای طرف توافق را آسان‌تر می‌کند و در نتیجه می‌تواند به افزایش صادرات امارات بینجامد. بر این اساس، رابطه علّی مورد بررسی در قالب زنجیره زیر تعریف می‌شود.

پیمان ابراهیم ← کاهش هزینه‌های سیاسی و مبادله ← دسترسی بیشتر به بازارها و گسترش صادرات ← بهبود نسبی همگرایی اقتصادی.

بر پایه این زنجیره، دو گزاره قابل آزمون مطرح می‌شود. نخست، اگر پیمان ابراهیم از طریق کاهش هزینه‌های مبادله به گسترش تجارت کمک کرده باشد، انتظار می‌رود صادرات امارات به اسرائیل و با شدت کمتر، به بحرین پس از سال ۲۰۲۰ افزایش یافته باشد. دوم، اگر نرخ رشد سالانه صادرات امارات به کشورهای غیرامضاکننده پس از سال ۲۰۱۹ از نرخ رشد آن در دوره پیش از این سال بیشتر نشده باشد، شواهد کافی برای نسبت دادن تغییرات صادراتی این کشورها به پیمان وجود نخواهد داشت. در مقابل، اگر سرعت رشد صادرات پس از سال ۲۰۱۹ افزایش یافته باشد، می‌توان این تغییر را نشانه‌ای سازگار با احتمال تأثیر پیمان دانست. بااین‌حال، چنین افزایشی به‌تنهایی رابطه علّی را اثبات نمی‌کند و باید در کنار سایر عوامل مؤثر بر تجارت منطقه‌ای بررسی شود.

انتخاب نرخ رشد سالانه به‌عنوان معیار مقایسه، از روش استنباط علّی و نه از خود نظریه، در این پژوهش ناشی می‌شود. به بیان دیگر، تقدم زمانی یک متغیر بر متغیر دیگر شرط لازم برای طرح ادعای رابطه علّی است، اما به‌تنهایی برای اثبات چنین رابطه‌ای کفایت نمی‌کند. بنابراین، تغییرات صادراتی پس از انعقاد پیمان باید با احتیاط تفسیر شوند. در این میان، عوامل دیگری نیز ممکن است بر روند تجارت منطقه‌ای از جمله ملاحظات امنیتی و ژئوپلیتیکی، پیامدهای اقتصادی همه‌گیری کووید-۱۹، نوسانات قیمت انرژی و پایان بحران قطر تأثیر گذاشته باشند. این عوامل در آزمون تجربی حاضر به‌صورت مستقل بررسی نمی‌شوند و به همین دلیل، باید آن‌ها را بخشی از محدودیت‌های پژوهش دانست.

۳- تاریخچه

پیمان ابراهیم در سال ۲۰۲۰ و در بستر تحولات سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی خاورمیانه شکل گرفت. این پیمان مجموعه‌ای از توافق‌ها و ابتکارهای دیپلماتیک بود که با میانجی‌گری ایالات متحده آمریکا و با هدف برقراری و گسترش روابط رسمی میان اسرائیل و شماری از کشورهای عربی به امضا رسید. شکل‌گیری این توافق‌ها در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و با مشارکت فعال دولت آمریکا صورت گرفت. واشنگتن از طریق میانجی‌گری دیپلماتیک و ارائه مشوق‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی، زمینه توافق میان طرف‌ها را فراهم کرد. در همین چارچوب، امارات متحده عربی و بحرین در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ توافق‌های عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل را در کاخ سفید امضا کردند. در ادامه، مراکش در دسامبر همان سال روابط دیپلماتیک خود را با اسرائیل برقرار کرد و سودان نیز در ژانویه ۲۰۲۱ به اعلامیه پیمان ابراهیم پیوست؛ بااین‌حال، به دلیل تحولات و بی‌ثباتی‌های داخلی سودان، روند عادی‌سازی کامل روابط این کشور با اسرائیل به سرانجام نرسید (Zanotti, 2023).

نام‌گذاری این توافق‌ها به «پیمان ابراهیم» نیز از بار نمادین و فرهنگی برخوردار بود. ابراهیم در سنت‌های دینی یهودیت، مسیحیت و اسلام جایگاهی مشترک دارد و انتخاب این نام با هدف برجسته‌ساختن پیوندهای تاریخی و دینی میان این سه سنت و تأکید بر ظرفیت همزیستی، گفتگو و همکاری میان پیروان آن‌ها صورت گرفت. در اعلامیه رسمی پیمان نیز بر اصولی همچون تفاهم متقابل،

همزیستی مسالمت‌آمیز، احترام به آزادی‌های دینی، گفتگوی میان‌فرهنگی و گسترش همکاری میان دولت‌ها تأکید شده است. بر این اساس، نام پیمان ابراهیم فراتر از یک عنوان دیپلماتیک، حامل پیامی درباره امکان شکل‌گیری مناسباتی تازه میان جوامع و کشورهای منطقه بود (The White House, 2020).

از منظر اقتصادی، پیمان ابراهیم را می‌توان نقطه عطفی در گسترش فرصت‌های همکاری تجاری و سرمایه‌گذاری میان اسرائیل و کشورهای مشارکت‌کننده دانست. بااین‌حال، تمایز میان ماهیت اولیه این پیمان و توافق‌های اقتصادی‌ای که در پی آن شکل گرفتند، ضروری است. پیمان ابراهیم در اساس با هدف عادی‌سازی روابط سیاسی و دیپلماتیک میان طرف‌ها منعقد شد، اما برقراری روابط رسمی، زمینه گسترش همکاری در حوزه‌هایی همچون تجارت، سرمایه‌گذاری، گردشگری، فناوری، حمل‌ونقل، انرژی، کشاورزی و خدمات مالی را فراهم آورد. ازاین‌رو، این پیمان را باید بستری سیاسی و نهادی برای توسعه مناسبات اقتصادی و تسهیل ارتباط میان بازارهای منطقه‌ای دانست، نه توافقی که از ابتدا صرفاً بر اصول بازار آزاد یا در قالب یک برنامه اقتصادی نئولیبرالی طراحی شده باشد.

در این میان، امارات متحده عربی به دلیل برخورداری از موقعیت راهبردی در تجارت بین‌المللی، زیرساخت‌های پیشرفته حمل‌ونقل و لجستیک، ظرفیت‌های گسترده مالی و سرمایه‌گذاری و اتخاذ سیاست تنوع‌بخشی به اقتصاد، نقش برجسته‌ای در توسعه ابعاد اقتصادی پیمان ابراهیم ایفا کرد. این کشور با برقراری روابط رسمی با اسرائیل، در پی بهره‌گیری از فرصت‌های جدید تجاری، جذب سرمایه، گسترش همکاری‌های فناورانه و تقویت پیوندهای اقتصادی خود با بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی بود. در مقابل، اسرائیل نیز فرصت یافت همکاری‌های اقتصادی خود را با یکی از مهم‌ترین مراکز تجاری و مالی منطقه گسترش دهد. به این ترتیب، مناسبات دوجانبه امارات و اسرائیل به یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های پیوند میان عادی‌سازی روابط سیاسی و توسعه همکاری‌های اقتصادی در چارچوب پیمان ابراهیم تبدیل شد.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اقتصادی در این زمینه، امضای توافقنامه مشارکت اقتصادی جامع میان امارات متحده عربی و اسرائیل[1] در ۳۱ مه ۲۰۲۲ بود که از اول آوریل ۲۰۲۳ به اجرا درآمد. این توافقنامه با هدف کاهش یا حذف تعرفه‌های گمرکی، تسهیل دسترسی به بازارهای دو کشور، توسعه تجارت خدمات، تقویت سرمایه‌گذاری و گسترش همکاری‌ها در حوزه‌هایی همچون فناوری، انرژی، محیط‌زیست و تجارت دیجیتال منعقد شد. بر اساس اعلام وزارت اقتصاد امارات، این توافقنامه بیش از ۹۶ درصد ردیف‌های تعرفه‌ای و حدود ۹۹ درصد ارزش مبادلات تجاری میان آن دو را پوشش می‌دهد. افزون بر این، تسهیل فعالیت شرکت‌های کوچک و متوسط و فراهم‌کردن فرصت‌های تازه برای فعالان اقتصادی نیز از دیگر اهداف آن به شمار می‌رود. اهمیت این توافقنامه در آن بوده است که نشان می‌دهد مناسبات شکل‌گرفته در پی پیمان ابراهیم چگونه از سطح روابط دیپلماتیک فراتر رفته و به سازوکارهای عملی و مشخص برای توسعه همکاری‌های اقتصادی و تجاری تبدیل شده است (Ministry of Economy of the United Arab Emirates, 2022&2023).

[1]. CEPA

در کنار ملاحظات اقتصادی، ابعاد امنیتی و راهبردی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری و گسترش پیمان ابراهیم داشتند. برخی از کشورهای مشارکت‌کننده، توسعه روابط با اسرائیل را فرصتی برای تقویت همکاری‌های امنیتی، بهره‌مندی از ظرفیت‌های فناورانه و دفاعی و افزایش هماهنگی در برابر تهدیدهای مشترک ارزیابی می‌کردند. در این میان، نگرانی از گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران و وجود اختلافات ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک با آن، از جمله عوامل مؤثر بر محاسبات امنیتی برخی کشورهای عربی، به‌ویژه امارات متحده عربی و بحرین، به شمار می‌رفت. بااین‌حال، پیمان ابراهیم را نمی‌توان ائتلافی نظامی با ساختاری رسمی و متضمن تعهدات دفاعی مشترک میان اعضا دانست و باید آن را چارچوبی برای گسترش مناسبات سیاسی و امنیتی و تقویت هماهنگی میان شماری از بازیگران منطقه‌ای در نظر گرفت.

٤- یافته‌ها و تحلیل تأثیر پیمان ابراهیم بر روند صادرات امارات به خاورمیانه

٤-١- چارچوب تحلیل داده‌ها و شاخص‌های مورد بررسی

این پژوهش تأثیر پیمان ابراهیم بر همگرایی اقتصادی منطقه‌ای را بررسی می‌کند. برای این کار، روند صادرات امارات متحده عربی به یازده کشور منتخب خاورمیانه در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ بررسی شده است. این کشورها عبارت‌اند از: عربستان سعودی، کویت، قطر، ایران، عمان، اردن، مصر، عراق، بحرین، ترکیه و رژیم اسرائیل. انتخاب این کشورها به پژوهش امکان می‌دهد تغییرات تجارت امارات را با گروهی از شریکان منطقه‌ای بررسی کند که از نظر موقعیت اقتصادی، سطح روابط سیاسی با امارات و موضع نسبت به پیمان ابراهیم با هم تفاوت دارند.

داده‌های این پژوهش ارزش سالانه صادرات امارات به کشورهای مقصد را برحسب میلیارد دلار نشان می‌دهد.

از نظر زمانی، سال ۲۰۲۰ نقطه اصلی جداکننده دوره پیش و پس از پیمان در نظر گرفته شده است. پیمان ابراهیم (صلح، روابط دیپلماتیک و عادی‌سازی کامل روابط میان امارات و اسرائیل) در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ امضا شد. این پیمان پس از طی مراحل تصویب، در ۵ ژانویه ۲۰۲۱ لازم‌الاجرا شد (United Nations, 2020). بنابراین، سال ۲۰۲۰ را نمی‌توان به‌طور کامل سال پس از پیمان دانست. زیرا بخش عمده آن پیش از امضای توافق سپری شده بود. بر همین اساس، در تفسیر داده‌ها، سال ۲۰۲۰ بیشتر به‌عنوان سال گذار در نظر گرفته می‌شود. شواهد مربوط به سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ برای ارزیابی تحولات پس از عادی‌سازی اهمیت بیشتری دارند.

پرسش اصلی پژوهش این است که عادی‌سازی سیاسی در چارچوب پیمان ابراهیم تا چه اندازه به تغییر محسوس در الگوی مبادلات تجاری و گسترش همگرایی اقتصادی در خاورمیانه منجر شده است. به‌ویژه این پرسش مطرح است که آیا این پیمان افزایش صادرات امارات به کشورهای منطقه را به وجود آورده یا فقط روندهای تجاری پیشین را آسان‌تر کرده است. بر این اساس، دو فرضیه بررسی می‌شود. در فرضیه اول- اگر پیمان ابراهیم عامل اصلی افزایش صادرات امارات به کشورهای منطقه بوده باشد، انتظار می‌رود روند افزایشی صادرات، به‌ویژه پس از سال ۲۰۲۰، آغاز شده یا به‌طور محسوسی تقویت شده باشد. در فرضیه دوم- اگر روند افزایش صادرات به کشورهای منطقه پیش از سال ۲۰۲۰ آغاز شده

باشد، پیمان ابراهیم را نمی‌توان عامل اصلی ایجاد این روند دانست. در این صورت، نقش آن، اگر وجود داشته باشد، بیشتر آسان‌کننده یا تقویت‌کننده خواهد بود. برای تحلیل این فرضیه‌ها، سه شاخص اصلی در نظر گرفته شده است. نخست، زمان آغاز روند افزایشی صادرات، دوم، تفاوت میزان صادرات در دوره پیش و پس از پیمان و سوم، تفاوت الگوی صادرات میان کشورهای مشارکت‌کننده در پیمان و سایر شریکان تجاری امارات است. این شیوه تحلیل با رویکرد نهادگرایی نئولیبرال ارتباط دارد. در این رویکرد، نهادها و ترتیبات بین‌المللی می‌توانند با کاهش نبود اطمینان، آسان‌تر کردن ارتباطات و کاهش هزینه‌های دادوستد، زمینه همکاری اقتصادی میان دولت‌ها را فراهم کنند (Keohane & Nye, 1977). بر این اساس، انتظار می‌رود عادی‌سازی روابط سیاسی بتواند موانع موجود در برابر تجارت دوجانبه را کاهش دهد و زمینه گسترش همکاری اقتصادی را فراهم سازد. بااین‌حال، تحقق چنین اثری باید در داده‌های تجاری و سایر شاخص‌های اقتصادی دیده شود و صرف امضای یک توافق سیاسی برای اثبات آن کافی نیست.

همچنین باید میان گسترش تجارت و همگرایی اقتصادی فرق گذاشت. همگرایی اقتصادی فرایندی مرحله‌ای است. این فرایند می‌تواند با آزادتر شدن تجارت آغاز شود و به تشکیل اتحادیه گمرکی، بازار مشترک و هماهنگی سیاست‌های اقتصادی برسد. بنابراین، افزایش صادرات دوجانبه می‌تواند نشانه‌ای از گسترش روابط اقتصادی باشد، اما به‌تنهایی برای اثبات تحقق همگرایی اقتصادی منطقه‌ای کافی نیست.

٤-۲- روند کلی صادرات امارات به کشورهای منتخب

بر اساس داده‌های گردآوری‌شده در جدول صفحه بعد، مجموع صادرات امارات به یازده کشور مورد بررسی از حدود ۶۷٫۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به ۷۴٫۰۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸، ۷۵٫۱۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ و ۷۶٫۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است. این رقم در سال ۲۰۲۱ به حدود ۸۲٫۳۱ میلیارد دلار و در سال ۲۰۲۲ به حدود ۱۰۶٫۶ میلیارد دلار رسیده است.

بر اساس این داده‌ها، مجموع صادرات امارات به کشورهای منتخب طی دوره ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ حدود ۵۷٫۷ درصد افزایش یافته است. نرخ رشد تجمعی صادرات در این دوره از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$G = \frac{X_{2022} - X_{2017}}{X_{2017}} \times 100$$

با جای‌گذاری ارقام جدول:

$$G = \frac{106.59 - 67.60}{67.60} \times 100 \approx 57.68\%$$

این محاسبه نشان می‌دهد که صادرات امارات به کشورهای مورد بررسی در این دوره رشد چشمگیری داشته است. اما در تفسیر این رشد باید به نکته‌ای مهم توجه کرد که بخش بزرگی از روند افزایشی پیش از امضای پیمان شروع شده بود. مجموع صادرات از ۶۷٫۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به

۷۵,۱۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ رسید. بنابراین پیش از امضای پیمان هم تجارت امارات با این کشورها در حال افزایش بود.

در سال ۲۰۲۰ مجموع صادرات به حدود ۷۶,۵ میلیارد دلار رسید که نسبت به سال ۲۰۱۹ افزایش کمی داشت. بعد از آن، صادرات در سال ۲۰۲۱ به ۸۲,۳۱ میلیارد دلار رسید و در سال ۲۰۲۲ باز هم بیشتر شد. این تغییرات نشان می‌دهد که رشد صادرات پس از پیمان ادامه پیدا کرده و در سال ۲۰۲۲ سریع‌تر شده است. با این حال، برای مشخص‌کردن نقش پیمان در این افزایش، باید سهم هر کشور و زمان شروع روند افزایشی را جداگانه بررسی کرد.

کشور مقصد	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲
کویت	۵,۰۰	۸,۳۸	۸,۵۵	۷,۰۵	۹,۲۴	۹,۹۶
عربستان سعودی	۱۶,۵۰	۱۹,۴۰	۲۱,۵۰	۲۷,۵۰	۲۲,۳۰	۲۸,۱۰
قطر	۱,۹۵	۰	۰	۰	۲,۵۲	۶,۰۲
ایران	۱۴,۲۰	۱۰,۲۰	۷,۰۹	۴,۵۳	۶,۵۸	۶,۷۶
عمان	۷,۱۹	۱۰,۳۰	۱۰,۹۰	۹,۷۰	۱۰,۱۰	۱۰,۶۰
اردن	۱,۴۲	۲,۲۱	۲,۳۶	۱,۷۲	۲,۷۳	۳,۹۷
مصر	۲,۶۴	۳,۵۷	۳,۶۷	۳,۸۵	۵,۸۸	۵,۷۵
عراق	۱۰,۷۰	۱۱,۳۰	۱۳,۷۰	۱۳,۱۰	۱۴,۳۰	۲۱,۵۰
بحرین	۲,۳۱	۴,۴۲	۳,۵۴	۳,۰۱	۳,۷۲	۴,۳۰
ترکیه	۵,۶۹	۴,۲۷	۳,۸۳	۵,۹۲	۳,۹۲	۷,۹۰
اسرائیل	۰	۰	۰	۰,۱۱۷	۱,۰۲	۱,۷۳
مجموع	۶۷,۶۰	۷۴,۰۵	۷۵,۱۴	۷۶,۴۹۷	۸۲,۳۱	۱۰۶,۵۹

جدول ۱. ارزش صادرات امارات به کشورهای منتخب خاورمیانه، ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ (میلیارد دلار)[1]

Table 1. Real value of UAE exports to Russia, 2017– 2022(billion USD)

Source: (Word Bank, 2022)

به بیان دیگر، نمی‌توان افزایش کل صادرات امارات به کشورهای منطقه را مستقیماً اثر اقتصادی پیمان ابراهیم دانست. این افزایش می‌تواند چند دلیل از جمله گسترش روابط تجاری قبلی، تغییر تقاضا در منطقه، تغییر قیمت‌ها، بهتر شدن روابط سیاسی با برخی کشورها و رشد فعالیت‌های تجاری و بازصادراتی (فروش دوباره کالاهای وارداتی به کشورهای دیگر) امارات داشته باشد. بنابراین، بررسی مجموع صادرات باید با بررسی روند تجارت با هر کشور به‌طور جداگانه کامل شود.

٤-۳- تحلیل روند صادرات به کشورهای منتخب و مقایسه با زمان امضای پیمان

٤-۳-۱- کشورهای دارای روند افزایشی پیش از پیمان

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که در بخش مهمی از کشورهای مورد مطالعه، صادرات امارات پیش از سال ۲۰۲۰ شروع به افزایش کرده بود. این وضع به‌ویژه در مورد عربستان سعودی، کویت، عمان، اردن،

[1]. World Bank, 2022

مصر و عراق دیده می‌شود.

صادرات امارات به عربستان سعودی از ۱۶٫۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به ۲۱٫۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ رسید و در سال ۲۰۲۰ به ۲۷٫۵ میلیارد دلار افزایش یافت. در سال ۲۰۲۱ مقداری کاهش دیده می‌شود، اما در سال ۲۲۰۲۲ دوباره بالا رفت و به ۲۸٫۱ میلیارد دلار رسید. این روند نشان می‌دهد که افزایش صادرات به عربستان پیش از امضای پیمان ابراهیم شکل گرفته بود و بعد از آن هم ادامه پیدا کرد. بنابراین نمی‌توان پیمان را شروع‌کننده این روند دانست.

صادرات امارات به کویت هم از ۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به ۸٫۳۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ و ۸٫۵۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ رسید. بعد از کاهش در سال ۲۰۲۰، صادرات در سال‌های بعد دوباره بالا رفت و در سال ۲۰۲۲ به ۹٫۹۶ میلیارد دلار رسید. این روند هم نشان می‌دهد که افزایش مبادلات پیش از پیمان شروع شده بود و تغییرات بعدی را بیشتر باید ادامه و بازگشت به روند قبلی دانست.

صادرات امارات به عمان از ۷٫۱۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به ۱۰٫۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ افزایش یافت. در سال ۲۰۲۰ مقداری کاهش دیده می‌شود، اما در سال ۲۰۲۲ دوباره به ۱۰٫۶ میلیارد دلار رسید. پس داده‌ها نشان می‌دهند که روند افزایشی پیش از پیمان شکل گرفته بود. از آنجا که عمان جزو کشورهای امضاکننده پیمان ابراهیم نیست (Singer, 2021: 448-463)، نمی‌توان افزایش صادرات به این کشور را نتیجه مستقیم توافق عادی‌سازی روابط امارات و اسرائیل دانست.

در مورد اردن، صادرات امارات از ۱٫۴۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به ۲٫۳۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ رسید. بعد از کاهش در سال ۲۰۲۰، روند افزایشی در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ ادامه یافت و صادرات به حدود ۳٫۹۷ میلیارد دلار رسید. این الگو نشان می‌دهد که افزایش صادرات به اردن پیش از پیمان شروع شده و بعد از آن هم ادامه داشته است. بنابراین نمی‌توان پیمان ابراهیم را عامل اصلی شروع این روند دانست.

در مورد مصر، صادرات امارات از ۲٫۶۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به ۳٫۶۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ و ۳٫۸۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ رسید. در سال ۲۰۲۱ این رقم به ۵٫۸۸ میلیارد دلار رسید و در سال ۲۰۲۲ کمی کاهش یافت. پس روند افزایشی صادرات به مصر پیش از پیمان وجود داشت و بعد از آن قوی‌تر شد. با این حال، مصر طرف مستقیم پیمان ابراهیم نبود و برای نسبت‌دادن این افزایش به اثر مستقیم توافق، شواهد تجربی کافی در دست نیست (Singer, 2021: 448-463).

در عراق، صادرات امارات از ۱۰٫۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به ۱۳٫۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ رسید. بعد از کاهش اندک در سال ۲۰۲۰، صادرات در سال ۲۰۲۱ به ۱۴٫۳ میلیارد دلار و در سال ۲۰۲۲ به ۲۱٫۵ میلیارد دلار رسید. افزایش صادرات به عراق در سال‌های پایانی دوره قابل‌توجه است، اما شروع روند صعودی آن به پیش از پیمان برمی‌گردد. بنابراین رشد پس از سال ۲۰۲۰ را باید در کنار عوامل اقتصادی و تجاری دوجانبه بررسی کرد و نمی‌توان آن را فقط به پیمان ابراهیم نسبت داد.

بررسی این کشورها نشان می‌دهد که در بخش مهمی از شرکای تجاری امارات، افزایش صادرات پیش از سال ۲۰۲۰ شروع شده بود. این یافته بیشتر با فرضیه دوم هم‌خوان است، چون شواهد نشان نمی‌دهند که پیمان ابراهیم آغازگر روند صعودی صادرات امارات به این کشورها بوده باشد. البته این

نتیجه به معنای بی‌اثر بودن تحولات سیاسی پس از پیمان نیست. فقط نشان می‌دهد که داده‌های موجود برای نسبت‌دادن شروع روند افزایشی به توافق سال ۲۰۲۰ کافی نیستند.

٤-۳-۲- کشورهای دارای الگوهای متفاوت و نوسانی

چند کشور الگوی متفاوتی از تغییرات صادرات نشان می‌دهند و نمی‌توان آن‌ها را به‌راحتی در گروه کشورهای دارای رشد پایدار قرار داد.

در مورد قطر، صادرات امارات از حدود ۱,۹۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به صفر در سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ رسید. بعد از آن در سال ۲۰۲۱ به ۲,۵۲ میلیارد دلار و در سال ۲۰۲۲ به ۶,۰۲ میلیارد دلار افزایش یافت. این تغییر را باید در چارچوب بحران سیاسی خلیج فارس و قطع روابط دو کشور از سال ۲۰۱۷ بررسی کرد (Aboueldahab, 2021). توافق العلا در ژانویه ۲۰۲۱ و شروع بهبود روابط میان کشورهای درگیر در این بحران، یعنی اعضای شورای همکاری خلیج فارس، دلیل مهمی برای افزایش دوباره تجارت امارات و قطر است (Aboueldahab, 2021; Bahrain et al., 2021). بنابراین نمی‌توان افزایش صادرات به قطر در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ را بدون توجه به این تحول سیاسی، به پیمان ابراهیم نسبت داد.

در مورد ایران، روند صادرات امارات متفاوت است. صادرات از ۱۴,۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به ۷,۰۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ و ۴,۵۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ کاهش یافت. در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ افزایش کمی دیده می‌شود و صادرات به‌ترتیب به ۶,۵۸ و ۶,۷۶ میلیارد دلار رسید. پس داده‌ها کاهش شدید صادرات تا سال ۲۰۲۰ و بهبود محدود آن در دوره بعد را نشان می‌دهند. این تغییرات را باید با توجه به تحریم‌ها، محدودیت‌های مالی و بانکی، وضع اقتصادی و تحولات روابط دو کشور بررسی کرد (Arab News, 2018). پیمان ابراهیم چارچوبی برای عادی‌سازی روابط امارات و اسرائیل بود. بنابراین نمی‌توان افزایش کم صادرات به ایران را نتیجه مستقیم آن دانست.

در مورد ترکیه هم صادرات امارات بالا و پایین شده است. صادرات از ۵,۶۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به ۳,۸۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ کاهش یافت، در سال ۲۰۲۰ به ۵,۹۲ میلیارد دلار رسید، در سال ۲۰۲۱ دوباره کم شد و در سال ۲۰۲۲ به ۷,۹ میلیارد دلار رسید. این الگو نشان می‌دهد که صادرات به ترکیه روند صعودی یکنواخت نداشته است. ترکیه درباره پیمان ابراهیم اختلاف‌نظر سیاسی داشت (Al Jazeera, 2020)، اما روابط تجاری امارات و ترکیه ادامه پیدا کرد. این نشان می‌دهد که تجارت دو کشور می‌تواند تحت تأثیر عوامل اقتصادی و منافع تجاری باشد که از مواضع سیاسی مستقل هستند.

بنابراین، در مورد قطر، ایران و ترکیه، داده‌ها بیش از آنکه اثر مستقیم و یکسانی از پیمان ابراهیم را نشان دهند، به تأثیر عوامل سیاسی و اقتصادی مستقل بر روابط تجاری امارات اشاره دارند. این موضوع نشان می‌دهد که نباید تغییرات صادرات را با یک عامل واحد توضیح داد.

٤-۳-۳- بررسی بازیگران مشارکت‌کننده در پیمان ابراهیم: اسرائیل و بحرین

برای ارزیابی دقیق‌تر فرضیه نخست، بررسی کشورهای شرکت‌کننده در پیمان اهمیت ویژه‌ای دارد. دلیلش این است که انتظار می‌رود اثر مستقیم‌تر عادی‌سازی روابط سیاسی در تجارت با این کشورها دیده شود. در داده‌های مورد بررسی، اسرائیل و بحرین دو مورد قابل‌توجه هستند.

در مورد بحرین، صادرات امارات از ۲,۳۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به ۴,۴۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسید. بعد از آن در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ کاهش یافت و در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ دوباره بالا رفت. این الگو نشان می‌دهد که افزایش صادرات به بحرین پیش از امضای پیمان ابراهیم شروع شده بود. شرکت بحرین در این توافق می‌توانست فضای سیاسی مناسب‌تری برای ادامه و تقویت روابط اقتصادی فراهم کند. با این حال، شواهد موجود از این ادعا پشتیبانی نمی‌کنند که پیمان عامل اصلی شروع رشد صادرات امارات به بحرین بوده است.

در مقابل، روند صادرات امارات به اسرائیل الگوی متفاوتی دارد. بر اساس داده‌های جدول، در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ صادراتی ثبت نشده است. در سال ۲۰۲۰ صادرات به حدود ۱۱۷ میلیون دلار رسید، در سال ۲۰۲۱ به حدود ۱,۰۲ میلیارد دلار افزایش یافت و در سال ۲۰۲۲ به حدود ۱,۷۳ میلیارد دلار رسید. این تغییرات هم‌زمان با برقراری روابط رسمی و عادی‌سازی روابط سیاسی دو بازیگر است. پیمان ابراهیم با ایجاد چارچوب رسمی برای روابط دیپلماتیک، زمینه گسترش همکاری‌های تجاری، اقتصادی و سرمایه‌گذاری را فراهم کرد (United Nations, 2020).

از نظر تحلیلی، مورد اسرائیل بیشتر با فرضیه نخست هم‌خوان است. برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر، در این مورد افزایش محسوس صادرات بعد از شروع عادی‌سازی دیده می‌شود. با این حال، این یافته را باید با دو نکته در نظر گرفت. نخست اینکه پیمان در سپتامبر ۲۰۲۰ امضا شد و بنابراین نمی‌توان همه صادرات ثبت‌شده در آن سال را نتیجه توافق دانست. دوم اینکه افزایش صادرات در سال‌های بعد، علاوه بر عادی‌سازی روابط، ممکن است تحت تأثیر توافق‌های اقتصادی و تجاری مستقل هم بوده باشد.

در همین زمینه، توافق مشارکت اقتصادی جامع امارات و اسرائیل در ۳۱ مه ۲۰۲۲ امضا شد، اما در اول آوریل ۲۰۲۳ اجرا شد. این توافق شامل کاهش یا حذف تعرفه‌ها (مالیات‌های گمرکی) و آسان‌تر کردن دسترسی به بازار دو کشور است (Ministry of Economy of the United Arab Emirates, 2022; United Arab Emirates Ministry of Foreign Affairs, 2023). بنابراین، امضای این توافق در سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد روابط اقتصادی دو بازیگر عمیق‌تر شده است. اما آثار اجرایی آن را نمی‌توان عامل افزایش صادرات در همان سال دانست.

در نتیجه، مورد اسرائیل شواهد قوی‌تری از ارتباط میان عادی‌سازی سیاسی و گسترش تجارت دوجانبه نشان می‌دهد. با این حال، این شواهد برای اثبات اینکه فقط پیمان ابراهیم عامل رشد صادرات بوده است، کافی نیستند. همچنین مورد بحرین نشان می‌دهد که حتی در میان کشورهای شرکت‌کننده در پیمان هم، روند افزایش تجارت می‌تواند پیش از توافق شروع شده باشد.

٤-٤- تحلیل مقایسه‌ای و شاخص‌های کمی تغییرات صادرات

برای اینکه تحلیل فقط به توصیف ارقام محدود نشود، می‌توان تغییرات صادرات را با چند شاخص عددی مقایسه کرد. شاخص اول، نرخ رشد سالانه صادرات است که از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$g_{i,t} = \frac{X_{i,t} - X_{i,t-1}}{X_{i,t-1}} \times 100$$

در این رابطه، $X_{i,t}$ ارزش صادرات امارات به کشور i در سال t است و $X_{i,t-1}$ ارزش صادرات در سال قبل است. این شاخص نشان می‌دهد در کدام سال‌ها صادرات بالا یا پایین رفته و شدت این تغییرات چقدر بوده است.

شاخص دوم، نرخ رشد تجمعی صادرات در کل دوره است:

$$G_i = \frac{X_{i,2022} - X_{i,2017}}{X_{i,2017}} \times 100$$

این شاخص تغییر کلی صادرات به هر کشور را بین سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۲۲ نشان می‌دهد. اگر صادرات در سال پایه صفر باشد، نمی‌توان نرخ رشد تجمعی را به روش معمول حساب کرد. به همین دلیل، برای اسرائیل باید به جای درصد رشد، تغییر مطلق صادرات (یعنی تفاوت خود ارقام) و روند سالانه گزارش شود.

برای مقایسه دوره پیش و پس از پیمان، می‌توان میانگین نرخ رشد سالانه را در هر دوره جداگانه حساب کرد:

$$\overline{g}_{pre,i} = \frac{g_{i,2018} + g_{i,2019}}{2}$$

$$\overline{g}_{post,i} = \frac{g_{i,2021} + g_{i,2022}}{2}$$

سپس تفاوت میانگین رشد این دو دوره از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$\Delta g_i = \overline{g}_{post,i} - \overline{g}_{pre,i}$$

اگر Delta_{g_i} مثبت باشد، یعنی میانگین رشد صادرات پس از پیمان بیشتر از دوره قبل از آن بوده است. اما این نتیجه به‌تنهایی ثابت نمی‌کند که پیمان اثر داشته است. عوامل دیگری، از جمله تغییر قیمت‌ها، بهتر شدن روابط سیاسی، شرایط بازار و تحولات اقتصادی جهانی هم می‌توانند در این افزایش نقش داشته باشند. برای بررسی دقیق‌تر تغییر روند، می‌توان از مدل رگرسیون شکست زمانی (مدلی که تغییر روند را پس از یک نقطه مشخص زمانی می‌سنجد) استفاده کرد:

$$X_{i,t} = \alpha_i + \beta_1 t + \beta_2 D_t + \beta_3 (t \times D_t) + \varepsilon_{i,t}$$

در این معادله D_t متغیر مجازی دوره پس از پیمان است. این متغیر برای سال‌های پیش از ۲۰۲۰ مقدار صفر و برای سال ۲۰۲۰ و بعد از آن مقدار یک می‌گیرد. ضریب B_1 (beta_1) روند پیش از نقطه برش را نشان می‌دهد. ضریب B_2 (beta_2) تغییر احتمالی سطح صادرات را نشان می‌دهد. ضریب B_3 (beta_3) تغییر شیب روند بعد از نقطه برش را نشان می‌دهد.

با این حال، باید تأکید کرد که تعداد مشاهدات سالانه در این پژوهش کم است و این موضوع، برآورد مطمئن مدل‌های پیچیده را محدود می‌کند. بنابراین، این معادله فعلاً بیشتر چارچوبی برای طراحی آزمون آماری است. نتایج آن را نباید بدون افزایش تعداد مشاهدات و کنترل عوامل مداخله‌گر، مبنای ادعای قطعی درباره اثر پیمان قرار داد. برای بررسی سهم هر کشور در رشد کل صادرات هم می‌توان تغییر مطلق صادرات هر کشور را حساب کرد:

$$\Delta X_i = X_{i,2022} - X_{i,2017}$$

این شاخص نشان می‌دهد هر کشور چه مقدار در افزایش کل صادرات امارات به مجموعه کشورهای منتخب سهم داشته است. اندازه اقتصاد و حجم تجارت کشورهای مورد بررسی با هم فرق دارد. بنابراین استفاده هم‌زمان از تغییر مطلق و نرخ رشد نسبی، تصویر دقیق‌تری از الگوی تجارت منطقه‌ای می‌دهد.

در مجموع، تحلیل کمی باید دو پرسش را از هم جدا کند. نخست اینکه آیا صادرات امارات بعد از سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است؟ دوم اینکه آیا می‌توان این افزایش را به پیمان ابراهیم نسبت داد؟ داده‌های موجود برای پاسخ به پرسش اول مناسب هستند. اما برای پاسخ به پرسش دوم، به تحلیل علّی و کنترل عوامل مداخله‌گر نیاز است.

٤-۵-تبیین یافته‌ها در چارچوب نهادگرایی نئولیبرال و همگرایی اقتصادی

یافته‌های پژوهش را می‌توان در دو سطح از روابط اقتصادی یعنی سطح دوجانبه و سطح منطقه‌ای بررسی کرد.

در سطح دوجانبه، مورد امارات و اسرائیل نشان می‌دهد که عادی‌سازی روابط سیاسی می‌تواند موانع نهادی و سیاسی مبادلات را کم کند. پیش از پیمان، نبود روابط دیپلماتیک رسمی گسترش همکاری‌های اقتصادی را محدود می‌کرد. با برقراری روابط رسمی، امکان ایجاد روش‌های جدید همکاری، گسترش ارتباطات تجاری و امضای توافق‌های اقتصادی فراهم شد. این وضع با استدلال نهادگرایی نئولیبرال درباره نقش نهادها هم‌خوان است. طبق این استدلال، نهادها نااطمینانی را کم می‌کنند و همکاری میان دولت‌ها را آسان‌تر می‌کنند (Keohane & Nye, 1977). با این حال، یافته‌های مربوط به بحرین نشان می‌دهند که شرکت در پیمان لزوماً به معنای شروع روند تازه‌ای در تجارت نیست. افزایش صادرات امارات به بحرین پیش از سال ۲۰۲۰ شروع شده بود. بنابراین در این مورد، پیمان را می‌توان عاملی احتمالی برای تقویت یا آسان‌تر کردن روابط موجود و نه عامل اولیه ایجاد آن دانست.

در سطح منطقه‌ای، شواهد بررسی سایر کشورها نشان می‌دهد که صادرات امارات به بسیاری از شرکای تجاری آن پیش از امضای پیمان رو به افزایش بود. همچنین تغییرات صادرات به کشورهایی مانند قطر، ایران و ترکیه تحت تأثیر تحولات سیاسی و اقتصادی مستقلی بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که نمی‌توان افزایش تجارت منطقه‌ای امارات را فقط با یک عامل سیاسی، یعنی پیمان ابراهیم، توضیح داد.

از نظر نظری، این یافته‌ها نشان می‌دهند که باید «وابستگی متقابل اقتصادی» و «همگرایی اقتصادی

نهادی» را از هم جدا کرد. افزایش صادرات می‌تواند نشانه گسترش وابستگی متقابل و رشد روابط تجاری باشد. اما برای اثبات همگرایی اقتصادی، باید شواهد دیگری هم نظیر کاهش پایدار موانع تجاری، هماهنگی سیاست‌های اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری دوطرفه و شکل‌گیری سازوکارهای نهادی مشترک وجود داشته باشد.

از این دیدگاه، پیمان ابراهیم را بیشتر باید یک ترتیب سیاسی و دوجانبه تا چارچوبی جامع برای همگرایی اقتصادی منطقه‌ای دانست. این ترتیب توان همکاری اقتصادی میان طرف‌های شرکت‌کننده را بیشتر کرده است. اینکه این آثار به سایر کشورهای منطقه برسد، به عوامل دیگری نظیر تصمیم‌های سیاسی دولت‌ها، توافق‌های تجاری مستقل، ساختار اقتصادی کشورها و آمادگی آن‌ها برای شرکت در ترتیبات منطقه‌ای بستگی دارد.

بنابراین، یافته‌ها با این برداشت نظری هم‌خوان هستند که نهادهای سیاسی می‌توانند زمینه همکاری اقتصادی را فراهم کنند، اما تبدیل این همکاری به همگرایی اقتصادی منطقه‌ای به ترتیبات گسترده‌تر و مشارکت فعال سایر دولت‌ها نیاز دارد.

٤-٦- ارزیابی فرضیه‌ها و پاسخ به پرسش پژوهش

بررسی کل داده‌ها و مقایسه روند صادرات امارات به کشورهای منتخب نشان می‌دهد که فرضیه دوم در سطح منطقه‌ای شواهد بیشتری دارد. در بسیاری از کشورهای مورد مطالعه، از جمله عربستان سعودی، کویت، عمان، اردن، مصر و عراق، افزایش صادرات پیش از سال ۲۰۲۰ شروع شده بود. بنابراین شواهد موجود نشان نمی‌دهند که پیمان ابراهیم آغازگر روند افزایشی صادرات امارات به کشورهای منطقه بوده باشد.

در مقابل، در مورد اسرائیل، صادرات در سال‌های پس از عادی‌سازی روابط به‌طور محسوسی بالا رفته است. این مورد بیشتر با فرضیه نخست هم‌خوان است و نشان می‌دهد که پیمان ابراهیم در ایجاد زمینه سیاسی و نهادی مناسب برای گسترش تجارت دوجانبه امارات و اسرائیل نقش داشته است. با این حال، این نتیجه را نباید به کل منطقه تعمیم داد، چون روند تجارت با کشورهای دیگر الگوی مشابهی نداشته است.

در مورد بحرین هم، با اینکه این کشور در پیمان شرکت داشت، افزایش صادرات امارات پیش از سال ۲۰۲۰ شروع شده بود. این یافته نشان می‌دهد که حتی میان کشورهای شرکت‌کننده در پیمان هم نمی‌توان همه تغییرات تجاری را به توافق سال ۲۰۲۰ نسبت داد. از سوی دیگر، افزایش صادرات به قطر پس از سال ۲۰۲۰ را بیشتر می‌توان با بهبود روابط دوجانبه و پایان بحران سیاسی خلیج فارس توضیح داد. در مورد ایران و ترکیه نیز تغییرات صادرات به چند عامل اقتصادی و سیاسی مربوط است و شواهد کافی برای نسبت‌دادن مستقیم آن‌ها به پیمان وجود ندارد.

بر این اساس، پاسخ پرسش اصلی پژوهش این است که پیمان ابراهیم در سطح دوجانبه، به‌ویژه در روابط اقتصادی امارات و اسرائیل، زمینه مناسب‌تری برای گسترش تجارت فراهم کرده است. اما شواهد صادراتی موجود نشان نمی‌دهند که این پیمان عامل اصلی افزایش صادرات امارات به کشورهای خاورمیانه یا محرک شکل‌گیری همگرایی اقتصادی منطقه‌ای بوده باشد. افزایش صادرات به بخش

مهمی از کشورهای مورد بررسی پیش از امضای پیمان شروع شده بود و بعد از آن هم با شدت‌های متفاوت، ادامه یافت. در نتیجه، فرضیه دوم در سطح منطقه‌ای شواهد بیشتری دارد، در حالی که فرضیه نخست در مورد خاص اسرائیل با شواهد هم‌خوان‌تر است. این نتیجه نشان می‌دهد که اثر اقتصادی پیمان ابراهیم را باید در وهله اول در چارچوب آسان‌تر شدن روابط دوجانبه میان کشورهای شرکت‌کننده بررسی کرد. نباید آن را عاملی دانست که به‌تنهایی ساختار تجارت منطقه‌ای خاورمیانه را تغییر داده است.

با این حال، داده‌های این پژوهش توصیفی هستند، دوره زمانی محدود است و عوامل مداخله‌گر از نظر آماری کنترل نشده‌اند. بنابراین این یافته‌ها فقط هم‌زمانی و تفاوت روندهای تجاری را نشان می‌دهند و رابطه علّی قطعی میان پیمان ابراهیم و افزایش صادرات را ثابت نمی‌کنند. همچنین چون شاخص اصلی پژوهش ارزش صادرات است، نتیجه‌گیری درباره همگرایی اقتصادی منطقه‌ای باید به شواهد گسترش روابط تجاری محدود بماند. برای ارزیابی کامل‌تر همگرایی، باید شاخص‌های دیگری هم نظیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کاهش موانع تجاری، توافق‌های اقتصادی، همکاری‌های مالی و هماهنگی نهادی میان کشورهای منطقه بررسی شوند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش می‌خواست اثر پیمان ابراهیم را بر همگرایی اقتصادی منطقه‌ای در خاورمیانه ارزیابی کند. برای این کار، روند صادرات امارات متحده عربی به یازده کشور منطقه را بین سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۲۲ بررسی کرد. پرسش اصلی این بود که عادی‌سازی روابط سیاسی امارات و اسرائیل الگوی تجارت منطقه‌ای امارات را به‌طور معناداری تغییر داده است یا فقط بر روندهای اقتصادی قبلی اثر گذاشته است. اهمیت این پرسش در تفاوت میان دو سطح از تحولات است. سطح اول، گسترش روابط اقتصادی میان دو بازیگر بعد از عادی‌سازی روابط سیاسی است. سطح دوم، شکل‌گیری فرایند گسترده‌تری از همگرایی اقتصادی است که به وابستگی متقابل و ترتیبات نهادی میان چند کشور منطقه نیاز دارد. یافته‌ها نشان می‌دهند که این دو سطح یکی نیستند و گسترش تجارت دوجانبه لزوماً به معنای تحقق همگرایی اقتصادی منطقه‌ای نیست.

بررسی داده‌های صادرات نشان داد که مجموع صادرات امارات به کشورهای منتخب از ۶۷٫۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به حدود ۱۰۶٫۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ رسیده است. اما بررسی جداگانه روندها نشان داد که افزایش صادرات به بخش مهمی از شرکای تجاری امارات، از جمله کویت، عربستان سعودی، عمان، اردن، مصر و عراق، پیش از امضای پیمان ابراهیم شروع شده بود. بنابراین نمی‌توان رشد تجارت منطقه‌ای امارات را نتیجه مستقیم این توافق دانست. این یافته در سطح منطقه‌ای از فرضیه دوم پژوهش پشتیبانی می‌کند. طبق این فرضیه، پیمان ابراهیم عامل اصلی شروع روند صعودی صادرات نبوده و نقش احتمالی آن را باید بیشتر در آسان‌تر یا قوی‌تر کردن روابط اقتصادی موجود جستجو کرد. پس افزایش صادرات امارات به کشورهای منطقه بیشتر ادامه روندی است که پیش از سال ۲۰۲۰ شکل گرفته بود و نشانه گسستی که پیمان ایجاد کرده باشد نیست.

در مقابل، روابط تجاری امارات و اسرائیل الگوی متفاوتی دارد. صادرات امارات به اسرائیل در سال‌های پیش از عادی‌سازی در داده‌های مورد استفاده ثبت نشده بود. این رقم در سال ۲۰۲۰ به حدود ۱۱۷ میلیون دلار رسید و در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به‌ترتیب به حدود ۱,۰۲ و ۱,۷۳ میلیارد دلار افزایش یافت. این تحول با فرضیه نخست در سطح روابط دوجانبه هم‌خوان است. نشان می‌دهد که برقراری روابط رسمی می‌تواند با کم‌کردن موانع سیاسی و فراهم‌کردن زمینه تعامل اقتصادی، فرصت‌های تازه‌ای برای گسترش تجارت بسازد. با این حال، این هم‌زمانی به‌تنهایی رابطه علّی را ثابت نمی‌کند.

افزون بر این، صادرات به بحرین هم با اینکه این کشور در پیمان شرکت داشت، پیش از سال ۲۰۲۰ شروع به افزایش کرده بود. تفاوت این دو مورد نشان می‌دهد که حتی میان کشورهای شرکت‌کننده در توافق هم اثر تجاری عادی‌سازی یکسان نیست. در تحلیل باید سابقه روابط اقتصادی و سیاسی هر کشور را در نظر گرفت.

از دیدگاه نهادگرایی نئولیبرال، یافته‌های پژوهش با این استدلال هم‌خوان است که توافق‌های رسمی می‌توانند شرایط بهتری برای همکاری اقتصادی فراهم کنند. آن‌ها این کار را با کم‌کردن نااطمینانی، آسان‌کردن ارتباطات و کاهش هزینه مبادله انجام می‌دهند. تجربه امارات و اسرائیل نمونه‌ای از توان ترتیبات سیاسی برای گسترش روابط اقتصادی دوجانبه است. اما شواهد منطقه‌ای نشان می‌دهد که ایجاد فرصت همکاری در سطح دوجانبه، به‌خودی‌خود به ساختارهای پایدار همگرایی نمی‌رسد. اثر نهادها به این بستگی دارد که چند دولت مشارکت کنند، چقدر به قواعد مشترک پایبند باشند و آیا سازوکارهای هماهنگی پیوسته وجود دارد یا نه. از این دیدگاه، پیمان ابراهیم یک ترتیب سیاسی است که می‌تواند همکاری اقتصادی میان طرف‌های شرکت‌کننده را آسان‌تر کند. این پیمان نهادی منطقه‌ای نیست که بتواند به‌تنهایی ساختار تجارت خاورمیانه را تغییر دهد.

این نتیجه با تمایزی هم مرتبط است که میان گسترش مبادلات اقتصادی و مراحل نهادمند همگرایی وجود دارد. افزایش صادرات می‌تواند نشانه گسترش روابط تجاری و وابستگی متقابل باشد. اما برای ارزیابی همگرایی اقتصادی، باید ابعاد دیگری هم نظیر سرمایه‌گذاری متقابل، کاهش موانع تجاری، تجارت درون‌صنعتی و هماهنگی سیاست‌های اقتصادی بررسی شوند. بنابراین یافته‌های این پژوهش بیشتر از گسترش تجارت امارات با شرکای منتخب و تقویت روابط دوجانبه آن، به‌ویژه با اسرائیل، خبر می‌دهند. تحقق همگرایی اقتصادی منطقه‌ای را ثابت نمی‌کنند. این تمایز برای ارزیابی واقع‌بینانه جایگاه پیمان ابراهیم در تحولات اقتصادی خاورمیانه اهمیت اساسی دارد.

در عین حال، تغییرات صادرات امارات به قطر، ایران و ترکیه نشان می‌دهد که روند تجارت منطقه‌ای تحت تأثیر چند متغیر سیاسی و اقتصادی است و نمی‌توان آن را با یک توافق سیاسی واحد توضیح داد. پایان بحران دیپلماتیک قطر، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و نوسان روابط سیاسی از جمله عواملی هستند که در تفسیر این تغییرات باید در نظر گرفته شوند. بنابراین پیامد منطقه‌ای پیمان ابراهیم را باید در چارچوب گسترده‌تری بررسی کرد که شامل تعامل میان ترتیبات نهادی، منافع اقتصادی و شرایط سیاسی دولت‌ها باشد.

نتایج پژوهش محدودیت‌هایی هم دارد که دامنه نتیجه‌گیری را مشخص می‌کنند. دوره زمانی

شش‌ساله است، گروه کنترل وجود ندارد، متغیرهای مداخله‌گر جداگانه بررسی نشده‌اند و شاخص همگرایی فقط به ارزش صادرات محدود شده است. به همین دلیل نمی‌توان رابطه علّی میان پیمان و تغییرات تجاری را ثابت کرد. افزون بر این، بازصادرات امارات (فروش دوباره کالاهای وارداتی) در ارقام تجاری وجود دارد. پس باید اثر تولید داخلی را از تجارت واسطه‌ای جدا کرد.

در کل، پاسخ پژوهش به پرسش اصلی این است که پیمان ابراهیم در روابط اقتصادی امارات و اسرائیل زمینه مناسب‌تری برای گسترش تجارت فراهم کرده است. اما شواهد موجود از این نقش پشتیبانی نمی‌کنند که پیمان عامل اصلی افزایش صادرات امارات به کشورهای خاورمیانه یا محرک شکل‌گیری همگرایی اقتصادی منطقه‌ای بوده باشد. اهمیت این یافته در تأکید بر تفاوت میان فرصت سیاسی و تحقق اقتصادی آن است. عادی‌سازی روابط می‌تواند امکان همکاری بسازد، اما تبدیل این امکان به همگرایی پایدار به ادامه منافع مشترک، گسترش ترتیبات نهادی و مشارکت بیشتر دولت‌های منطقه نیاز دارد. بنابراین پیمان ابراهیم یکی از عوامل مؤثر در تغییر روابط دوجانبه در خاورمیانه است. اما ظرفیت اقتصادی آن در سطح منطقه‌ای همچنان به شرایط سیاسی، ساختارهای تجاری و اراده و تصمیم دولت‌ها برای گسترش همکاری بستگی دارد.

منابع فارسی

۱. ایمانی، ه. (۱۴۰۰). امکان‌سنجی همگرایی اقتصادی در منطقه‌ی خلیج‌فارس در آینده پیش‌رو و الزامات تحقق آن (ارائه مدل همگرایی شبکه‌ای به‌جای مدل سلسله‌مراتبی). *فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی*، ۴ (۱۰)، ۲۵-۱.

۲. بهادری، م.ی.، شکوهی، س.، و کریمی‌پرشه، س. (۱۴۰۴). فرصت‌ها و چالش‌های ژئواکونومی طرح کمربند-راه در تعامل روابط چین با عربستان و امارات. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۲۲(۳)، ۷۵-۹۳.

۳. سهرابی، ا.، و ولی‌شریعت‌پناهی، م. (۱۳۹۸). تحلیل منازعات منطقه خاورمیانه از منظر مؤلفه‌های ژئواکونومیک در راستای تنش‌زدایی و همگرایی منطقه‌ای. *جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، ۱۰ (۲-۱)، ۵۰۱-۵۲۹.

۴. عطار، س. و ابراهیمیان نجف‌آبادی، م. (۱۴۰۱). محیط زیست خاورمیانه و پیمان ابراهیم: بررسی نقش عادی‌سازی روابط امارات متحده عربی و بحرین با رژیم اسرائیل در کاهش بحران‌های آب و کشاورزی این کشورها. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۹ (۲)، ۲۹۳-۲۷۳.

۵. یعقوبی، س.، و عزیزی، ا.(۱۳۹۸). تبیین الگوی همگرایی منطقه‌ای، مطالعه موردی: جنوب غرب آسیا. *فصلنامه جغرافیایی سرزمین*، ۱۶ (۶۳)، ۹۵-۷۴.

English References

1. Abouеldahab, N. (2021). *Picking up the pieces: The path to Gulf reconciliation*. Brookings Institution. https://www.brookings.edu/articles/picking-up-the-pieces-the-path-to-gulf-

reconciliation

2. Al Jazeera. (2020, August 15). *Erdogan: Turkey may suspend ties with UAE over Israel deal*. https://www.aljazeera.com/news/2020/8/15/erdogan-turkey-may-suspend-ties-with-uae-over-israel-deal
3. Arab News. (2018, November 19). *UAE indicates full compliance with US sanctions on Iran*. https://www.arabnews.pk/node/1407536/business-economy
4. Bahrain, Egypt, Kuwait, Oman, Qatar, Saudi Arabia, & United Arab Emirates. (2021). *Al-Ula declaration* (No. 56786). United Nations Treaty Series. https://treaties.un.org/doc/Publication/UNTS/No%20Volume/56786/Part/I-56786-08000002805b2870.pdf
5. Balassa, B. (1961). Towards a theory of economic integration. *Kyklos, 14*(1), 1–17. https://doi.org/10.1111/j.1467-6435.1961.tb02365.x
6. Feldman, N., & Lutmar, C. (2025). Give "peace through globalization" a chance: The role of economic globalization in UAE-Israel normalization. *Frontiers in Political Science, 7*, Article 1622709. https://doi.org/10.3389/fpos.2025.1622709
7. Grieco, J. M. (1988). Anarchy and the limits of cooperation: A realist critique of the newest liberal institutionalism. *International Organization, 42*(3), 485–507. https://doi.org/10.1017/S0020818300027715
8. Hegre, H., Oneal, J. R., & Russett, B. (2010). Trade does promote peace: New simultaneous estimates of the reciprocal effects of trade and conflict. *Journal of Peace Research, 47*(6), 763–774. https://doi.org/10.1177/0022343310385995
9. Keohane, R. O. (1984). *After hegemony: Cooperation and discord in the world political economy*. Princeton University Press.
10. Keohane, R. O., & Nye, J. S. (1977). *Power and interdependence: World politics in transition*. Little, Brown.
11. Ministry of Economy of the United Arab Emirates. (2022, May 31). *UAE and Israel sign Comprehensive Economic Partnership Agreement to advance bilateral trade beyond USD 10 billion in 5 years*. https://www.moet.gov.ae/-/%D8%A7%D9%84%D8%A5%D9%85%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D8%AA-%D9%88%D8%A5%D8%B3%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D9%8A%D9%84-%D8%AA%D9%88%D9%82%D8%B9%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D8%AA%D9%81%D8%A7%D9%82%D9%8A%D8%A9-%D8%B4%D8%B1%D8%A7%D9%83%D8%A9-%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D9%8A
12. Ministry of Economy of the United Arab Emirates. (2023). *UAE-Israel Comprehensive*

Economic Partnership Agreement. https://www.moet.gov.ae/en/cepa_israel

13. Oneal, J. R., & Russett, B. M. (1997). The classical liberals were right: Democracy, interdependence, and conflict, 1950–1985. *International Studies Quarterly, 41*(2), 267–294. https://doi.org/10.1111/1468-2478.00042
14. Singer, J. (2021). The Abraham Accords: Normalization agreements signed by Israel with the U.A.E., Bahrain, Sudan, and Morocco. *International Legal Materials, 60*(3), 448–463. https://www.cambridge.org/core/journals/international-legal-materials/article/abraham-accords-normalization-agreements-signed-by-israel-with-the-uae-bahrain-sudan-and-morocco/4EA3A4BC1D30A3CDC18C886477AD4BDA
15. Trading Economics. (2021). *United Arab Emirates exports to Bahrain*. Retrieved March 5, 2021, from https://tradingeconomics.com/united-arab-emirates/exports/bahrain
16. Trading Economics. (2021). *United Arab Emirates exports to Iran*. Retrieved March 5, 2021, from https://tradingeconomics.com/united-arab-emirates/exports/iran
17. Trading Economics. (2021). *United Arab Emirates exports to Iraq*. Retrieved March 5, 2021, from https://tradingeconomics.com/united-arab-emirates/exports/iraq
18. Trading Economics. (2021). *United Arab Emirates exports to Israel*. Retrieved March 5, 2021, from https://tradingeconomics.com/united-arab-emirates/exports/israel
19. Trading Economics. (2021). *United Arab Emirates exports to Jordan*. Retrieved March 5, 2021, from https://tradingeconomics.com/united-arab-emirates/exports/jordan
20. Trading Economics. (2021). *United Arab Emirates exports to Kuwait*. Retrieved March 5, 2021, from https://tradingeconomics.com/united-arab-emirates/exports/kuwait
21. Trading Economics. (2021). *United Arab Emirates exports to Oman*. Retrieved March 5, 2021, from https://tradingeconomics.com/united-arab-emirates/exports/oman
22. United Arab Emirates Ministry of Foreign Affairs. (2023, March 27). *UAE and Israel sign customs agreement to activate CEPA and strengthen economic cooperation*. https://www.mofa.gov.ae/en/mediahub/news/2023/3/27/27-03-2023-uae-cepa
23. United Nations. (2020). *Abraham Accords Peace Agreement: Treaty of peace, diplomatic relations and full normalization between the United Arab Emirates and the State of Israel (with annex)* (No. I-56565). United Nations Treaty Series. https://treaties.un.org/doc/Publication/UNTS/No%20Volume/56565/Part/I-56565-08000002805a7d1f.pdf
24. The White House. (2020, September 15). *The Abraham Accords declaration*. https://2021-2025.state.gov/wp-content/uploads/2020/10/Abraham-Accords-signed-FINAL-15-Sept-2020-508-1.pdf
25. World Bank. (2022). *World Integrated Trade Solution (WITS): United Arab Emirates trade*

summary.
https://wits.worldbank.org/CountryProfile/en/Country/ARE/Year/2022/Summary

26. Zanotti, J. (2023, June 21). *Israel: Major issues and U.S. relations* (CRS Report No. R44245). Congressional Research Service. https://www.everycrsreport.com/files/2023-06-21_R44245_671ed61f50bf287493c778b0fcf2d31eebd9ffca.html

Translated References to English

1. Aboueldahab, N. (2021). *Picking up the pieces: The path to Gulf reconciliation*. Brookings Institution. https://www.brookings.edu/articles/picking-up-the-pieces-the-path-to-gulf-reconciliation
2. Al Jazeera. (2020, August 15). *Erdogan: Turkey may suspend ties with UAE over Israel deal*. https://www.aljazeera.com/news/2020/8/15/erdogan-turkey-may-suspend-ties-with-uae-over-israel-deal
3. Arab News. (2018, November 19). *UAE indicates full compliance with US sanctions on Iran*. https://www.arabnews.pk/node/1407536/business-economy
4. Attar, S., & Ebrahimian Najafabadi, M. (2022). The environment of the Middle East and the Ibrahim agreement: Examining the role of normalizing relations between the United Arab Emirates and Bahrain with the Israeli regime in reducing the water and agricultural crises of these countries. *International Studies Journal, 19*(2),273-293 (**In Persian**)
5. Bahadori, M. Y., Shokoohi, S. & Karimi Parsheh, S. (2025). The Geoeconomics of the Belt and Road Initiative in China's Relations with Geoeconomic Opportunities and Challenges of the Belt and Road Initiative in China's Relations with Saudi Arabia and the UAE. *International Studies Journal (ISJ)*, *22*(3), 75–93. https://doi.org/10.22034/isj.2026.553457.2398 (**In Persian**)
6. Bahrain, Egypt, Kuwait, Oman, Qatar, Saudi Arabia, & United Arab Emirates. (2021). *Al-Ula declaration* (No. 56786). United Nations Treaty Series. https://treaties.un.org/doc/Publication/UNTS/No%20Volume/56786/Part/I-56786-08000002805b2870.pdf
7. Balassa, B. (1961). Towards a theory of economic integration. *Kyklos, 14*(1), 1–17. https://doi.org/10.1111/j.1467-6435.1961.tb02365.x
8. Feldman, N., & Lutmar, C. (2025). Give "peace through globalization" a chance: The role of economic globalization in UAE-Israel normalization. *Frontiers in Political Science, 7*, Article 1622709. https://doi.org/10.3389/fpos.2025.1622709
9. Grieco, J. M. (1988). Anarchy and the limits of cooperation: A realist critique of the newest liberal institutionalism. *International Organization, 42*(3), 485–507.

https://doi.org/10.1017/S0020818300027715

10. Hegre, H., Oneal, J. R., & Russett, B. (2010). Trade does promote peace: New simultaneous estimates of the reciprocal effects of trade and conflict. *Journal of Peace Research, 47*(6), 763–774. https://doi.org/10.1177/0022343310385995
11. Imani, H. (2021). The feasibility of economic convergence in the Persian Gulf region in the near future and the requirements for its realization (Providing a network convergence model instead of a hierarchical model). *International Organizations Quarterly, 4*(10), 1–25. (**In Persian**)
12. Keohane, R. O. (1984). *After hegemony: Cooperation and discord in the world political economy*. Princeton University Press.
13. Keohane, R. O., & Nye, J. S. (1977). *Power and interdependence: World politics in transition*. Little, Brown.
14. Ministry of Economy of the United Arab Emirates. (2022, May 31). *UAE and Israel sign Comprehensive Economic Partnership Agreement to advance bilateral trade beyond USD 10 billion in 5 years*. https://www.moet.gov.ae/-/%D8%A7%D9%84%D8%A5%D9%85%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D8%AA-%D9%88%D8%A5%D8%B3%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D9%8A%D9%84-%D8%AA%D9%88%D9%82%D8%B9%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D8%AA%D9%81%D8%A7%D9%82%D9%8A%D8%A9-%D8%B4%D8%B1%D8%A7%D9%83%D8%A9-%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D9%8A
15. Ministry of Economy of the United Arab Emirates. (2023). *UAE-Israel Comprehensive Economic Partnership Agreement*. https://www.moet.gov.ae/en/cepa_israel
16. Oneal, J. R., & Russett, B. M. (1997). The classical liberals were right: Democracy, interdependence, and conflict, 1950–1985. *International Studies Quarterly, 41*(2), 267–294. https://doi.org/10.1111/1468-2478.00042
17. Singer, J. (2021). The Abraham Accords: Normalization agreements signed by Israel with the U.A.E., Bahrain, Sudan, and Morocco. *International Legal Materials, 60*(3), 448–463. https://www.cambridge.org/core/journals/international-legal-materials/article/abraham-accords-normalization-agreements-signed-by-israel-with-the-uae-bahrain-sudan-and-morocco/4EA3A4BC1D30A3CDC18C886477AD4BDA
18. Sohrabi, A., Wali Shariat Panahi, M., & Phandhi, R. (2019). Analysis of conflicts in the Middle East region from the perspective of geo-economic components in the direction of de-tension and regional convergence. *Geography and Regional Planning, 10*(2-1), 501-529.

https://ensani.ir/file/download/article/1645525280-10518-1400-29.pdf (**In Persian**)

19. Trading Economics. (2021). *United Arab Emirates exports to Bahrain*. Retrieved March 5, 2021, from https://tradingeconomics.com/united-arab-emirates/exports/bahrain
20. Trading Economics. (2021). *United Arab Emirates exports to Iran*. Retrieved March 5, 2021, from https://tradingeconomics.com/united-arab-emirates/exports/iran
21. Trading Economics. (2021). *United Arab Emirates exports to Iraq*. Retrieved March 5, 2021, from https://tradingeconomics.com/united-arab-emirates/exports/iraq
22. Trading Economics. (2021). *United Arab Emirates exports to Israel*. Retrieved March 5, 2021, from https://tradingeconomics.com/united-arab-emirates/exports/israel
23. Trading Economics. (2021). *United Arab Emirates exports to Jordan*. Retrieved March 5, 2021, from https://tradingeconomics.com/united-arab-emirates/exports/jordan
24. Trading Economics. (2021). *United Arab Emirates exports to Kuwait*. Retrieved March 5, 2021, from https://tradingeconomics.com/united-arab-emirates/exports/kuwait
25. Trading Economics. (2021). *United Arab Emirates exports to Oman*. Retrieved March 5, 2021, from https://tradingeconomics.com/united-arab-emirates/exports/oman
26. United Arab Emirates Ministry of Foreign Affairs. (2023, March 27). *UAE and Israel sign customs agreement to activate CEPA and strengthen economic cooperation*. https://www.mofa.gov.ae/en/mediahub/news/2023/3/27/27-03-2023-uae-cepa
27. United Nations. (2020). *Abraham Accords Peace Agreement: Treaty of peace, diplomatic relations and full normalization between the United Arab Emirates and the State of Israel (with annex)* (No. I-56565). United Nations Treaty Series. https://treaties.un.org/doc/Publication/UNTS/No%20Volume/56565/Part/I-56565-08000002805a7d1f.pdf
28. The White House. (2020, September 15). *The Abraham Accords declaration*. https://2021-2025.state.gov/wp-content/uploads/2020/10/Abraham-Accords-signed-FINAL-15-Sept-2020-508-1.pdf
29. World Bank. (2022). *World Integrated Trade Solution (WITS): United Arab Emirates trade summary*. https://wits.worldbank.org/CountryProfile/en/Country/ARE/Year/2022/Summary
30. Yaqoubi, S., Azizi, E., & Roumina, I. (2019). Regional convergence pattern in Southwest Asia: A case study. *Sarzamin Geographical Quarterly, 16*(63), 74-95. (**In Persian**)
31. Zanotti, J. (2023, June 21). *Israel: Major issues and U.S. relations* (CRS Report No. R44245). Congressional Research Service. https://www.everycrsreport.com/files/2023-06-21_R44245_671ed61f50bf287493c778b0fcf2d31eebd9ffca.html